

کتاب درس پانتومیم

برگردان از : ایرج زهری

زبان بی واژه

شیوه پانتومیم

های همیشگی و روزانه او خواهد بود ، به نظم و انضباط عادت بدهد . هنرمند « میم » باید این نمایش را برای مردم . مردمی که باید آنرا حس کنند و بفهمند قابل فهم ، قابل خواندن کند . انسان وقتی سخنان سخنرانان بزرگ را می خواند ، از وزن جمله های آنها در شگفتی می ماند . عبارت های آنها مثل زنجیر درهم پیوسته و بسته است اما در عین حال سکوت نقش کلید را در جمله های آنها دارد ، به موقع قطع میکنند و بموقع وصل میکنند . سکوت برای اینست که توجه شنونده همیشه بیدار بماند .

پانتومیم یک سخنرانی است « میم » این سخنرانی را در « فضا » می نویسد . ابزار کار نمایش او بدن اوست . باید صاحب اختیار و مالک همه امکانات این ابزار کار باشد . آنرا از طریق تجزیه و تحلیل بشناسد ، از راه ورزش آنرا نرم و انعطاف پذیر کند ، آنرا با آموزش و تمرین نخستین درس های رقص کلاسیک که از تمرین

درست بوسیله همین سکوت‌هاست که سخنگو سخن را بدلخواه می‌راند. نمایش «میم» نیز بر جمله‌ها و عبارات‌ها و اجزاء آنها بنا شده است. همه اجزاء عبارت و گفتار باید با هم هماهنگ باشند تا خطر ناهمی‌یافتگی یا ساخت فهمی برای تماشاگر بوجود نیاید. مانند سخنرانی سخن‌میم نیز گاه نفس میکشد و گاه سکوت می‌کند. همچون سخنرانی، نقطه دارد، ممیز، دو نقطه، علامت سؤال و علامت تعجب دارد. هر جزء گفتار این سخنرانی باید به خودی خود کامل و نسبت به دیگر اجزاء هماهنگ باشد و باز هر جزء گفتار پانتومیم باید نسبت به همه گفتار هماهنگ و قابل فهم باشد.

خبردار و انقباض

«خبردار» نباید با «انقباض» قاطی و اشتباه بشود. حتی در حالت «آزاد» باید میم در هیجان حالت «خبردار» باشد. «خبردار»ی که «میم» حتی در لحظات «آزاد» هم باید وجودش را حس کند، در مرکز بدن میم جا دارد. تمام نیروهای جسمی و روحی میم که طی بازی به تماشاگر القاء می‌گردد، در این نقطه قرار دارد.

نقطه پانتومیمی یا «تک»

پایه و اساس زنده هر جمله پانتومیمی را «تک» می‌گوئیم.

«تک» بدضم میم عبارت است از یک حرکت یا ضربی که در اول و آخر یک حرکت یک حالت جدید را بوجود می‌آورد.

تک در پانتومیم همانست که نقطه در هندسه است یعنی آغاز هر خط.

تک اهمیت و ارزش یک کار را در یک لحظه تشدید می‌کند همانطور که خطی که زیر یک لغت کشیده میشود، اهمیت و ارزش آن لغت را تشدید می‌کند.

چند نوع «تک» می‌شناسیم:

تک محرك، پایه جمله پانتومیمی است، به حرکت می‌اندازد. مانند استارت اتومبیل که موتور را روشن می‌کند.

پیش از اینکه به آموزش پانتومیم بپردازیم باید با شیوه آن و با شیوه بیان و علامت‌های قراردادی این هنر که در کتاب ما پیوسته تکرار خواهد شد، آشنا شویم.

خبردار - آزاد

سخنرانی که طرز صحیح نفس کشیدن را نداند زود از نفس می‌افتد و همینطور خیلی زود شنونده‌اش را از دست می‌دهد. کاری که «میم» نشان می‌دهد باید زنده باشد، نفس بکشد. همانگونه که تنفس توالی دو کار است نفس کشیدن و نفس بیرون دادن، بازی میم نیز توالی دو کار است: خبردار و آزاد. بازی میم زندگی است و زندگی جمع اضداد است: روز و شب، خواب و بیداری، تابستان و زمستان و مانند آن بسیار. «آزاد و خبردار» پایه حرکت و جنبش

تک روان، اساس و شکل جمله را تعیین می کند مانند، ریتم مشخص و ثابت و یکنواخت در جمله. باید متعلق به آن خانه باشد. تماشاگر امروز به علامت‌ها و نشانه‌های ویژه‌ای عادت کرده است و این علامت‌ها را به پیام مدیون است. پانتومیم جدید زمانی بوجود آمد که فیلم صامت جای خود را به فیلم ناطق سپرد. پانتومیم برخی از قوانین فیلم صامت را گرفت و آنرا با محیط صحنه تطبیق داد.

خلاصه کردن

ضربه ضرب به يك « تك » شنیدنی است: با پاشنه پا (ضربه سخت) و بانگ پا (ضربه ملایم) پدید می آید. ضرب به نباید بهیچوجه مزاحم سکوت پانتومیم باشد. برعکس ضرب به باید به قدرت و جذبه سکوت بیفزاید.

خلاصه کردن، یعنی آنچه در يك زمان بلند روی داده است، مختصر و خلاصه کنیم. برای مثال مارسل مارسو در داستان کوتاه «مانتو» ی گو گول «سی سال» عمر را در ۳۰ ثانیه خلاصه می کند.

کوتاه کردن - کش دادن - جایگزینی تصویر درشت - تصویر عمومی - برش

این واژه‌ها پایه و اساس پانتومیم است. برخی از این واژه‌ها از فیلم گرفته شده است. روشن است که فیلم دید ویژه‌ای را در تماشاگر بوجود آورده است. فیلم با نیروی تخیل و تجسم تماشاگر کار دارد. مثلا من خانه‌ای را می بینم، یعنی يك - تصویر عمومی که عبارت است از خانه و باغچه‌اش.

جایگزینی

کش دادن همان مات کردن تصویر در فیلم است حرکتی که پیوسته آهسته و آهسته تر می شود، و سرانجام به سکون کامل می رسد، از نظر تصویری دور شدن و در نهایت نیست شدن را نمایش می دهد.

در تصویر دیگر خانه همه پرده را پر می کند و سپس يك پنجره از آن خانه را می بینیم مسلم است که من خانه‌ای را که در تصویر عمومی دیده‌ام به این پنجره ربط می دهم. این پنجره

نداشته باشد آنرا کنار می گذارد یا دور
 می اندازد. **برش** «تک نواز» را همراهی می کند.
 تصویر درشت و تصویر عمومی
 تصویر درشت در فیلم توجه تماشاگر را
 به جزئی از کل جلب می کند. «میم» نیز گاه
 نیاز دارد که نگاه مردم را به نقطه مهمی از
 بازی بدن خود جلب کند. مثلا به دستش یا
 به صورتش. البته در این کار وقتی موفق خواهد
 بود که اعضای دیگر کاملا بی حرکت گردند.
 «تصویر درشت» برای نمایش گروهی ضرورت
 بسیار دارد. گروه زمینه داستان را بازگو
 می کند، مانند یک ارکستر موسیقی که
برش حتی در نمایش های گروهی
 (میمودرام) اهمیت فراوان دارد زیرا میم ناچار
 است بدون آنکه صحنه را ترک کند، از نقشی
 به نقش دیگر در آید.



تصویر درشت و تصویر عمومی
 تصویر درشت در فیلم توجه تماشاگر را
 به جزئی از کل جلب می کند. «میم» نیز گاه
 نیاز دارد که نگاه مردم را به نقطه مهمی از
 بازی بدن خود جلب کند. مثلا به دستش یا
 به صورتش. البته در این کار وقتی موفق خواهد
 بود که اعضای دیگر کاملا بی حرکت گردند.
 «تصویر درشت» برای نمایش گروهی ضرورت
 بسیار دارد. گروه زمینه داستان را بازگو
 می کند، مانند یک ارکستر موسیقی که
برش حتی در نمایش های گروهی
 (میمودرام) اهمیت فراوان دارد زیرا میم ناچار
 است بدون آنکه صحنه را ترک کند، از نقشی
 به نقش دیگر در آید.